

احمدی نژاد همه حامیان سابق را مورد لطف قرار داد

محمود احمدی نژاد در نشست خبری روز گذشته خود، هیچ یک از حامیان سابق را بی نصیب نگذاشت. آنها که بیش از هفت سال او را در یک تازی ها و قانون شکنی ها و صرف بودجه های میلیاردی و اجرا کردن طرح های مختلف بی حاصل و ... بی قید و شرط حمایت کرده بودند، اکنون پاسخ این حمایت های فراقانونی بی حد و حصر را گرفتند و شاهدند که رئیس دولت حق آنها را کف دستشان گذاشت.

به گزارش کلمه، روز سه شنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۹۱ در خاطر حاکمان مدعی اصول خواهد ماند؛ چرا که هزینه کردن تمام سرمایه های اجتماعی و اقتصادی نظام و انقلاب و کشور در هفت سال گذشته برای حمایت از دولت، نتیجه اش جز شمشیر در هوا چرخاندن و و به همه نزدیکان زخمی وارد کردن و در برابر همه حامیان سابق جبهه گیری کردن، نبود.

از رهبری که نظرش را به او نزدیک کرد تا لاریجانی که بارها در مسیر حمایت از احمدی نژاد و دولتش قانون را هم زیر پا گذاشت، و ولایتی که بارها در دفاع از سخن گفت و دستگاه قضایی که خیلی ها را به خاطر روی کار نگه داشتن او قربانی کرد، و خبرگزاری فارس و حامیان نظامی و امنیتی آن که دهها و صدها بار صداقت و حقیقت را به پای این رئیس دولت ذبح کردند، و سازمان تبلیغات و خبرگزاری مهر و دیگران؛ هیچ یک از تعرض احمدی نژاد در مصاحبه مطبوعاتی امروزی نصیب نماندند؛ تا اکنون پس از این همه هزینه کردن برای او، نه رویی برای عزل و برکناری او داشته باشند و نه چاره ای برای بدگویی و بدکاری او که خود از سالیان قبل برای دفع دیگران اینجا کاشته بودند و حالا گریبانگیر خودشان شده.

به همین خاطر است که می توان با قاطعیت گفت این روز و این سخنان در خاطر همه متحدان و حامیان رئیس دولت در این سالها خواهد ماند.

مسئول دولت در این نشست خبری با اشاره به نوسانات شدید قیمت ارز، بار دیگر به عوامل داخلی در ایجاد اختلال در بازار ارز پرداخت و مدعی شد کسانی که تصمیمات را بر دولتش تحمیل کرده اند، حالا متعقد شده اند. وی بدون اشاره به نام رئیس مجلس در خصوص علل افزایش قیمت ارز گفت: وقتی تحریم ها اثر ندارد بر نوسانات ارز پس لابد تصمیمات ایشان تاثیر گذار بوده است.

۵۰ هزار دانشجو قربانی ناتوانی دولت در بازار ارز

سرانجام با بالا گرفتن بدهی ها و مشکلات مدیریتی اقتصادی و ناآرامی های گسترده در بازار ارز، دولت تصمیم به توقف ارائه ارز دانشجویی گرفت، سیاستی که بیش از پیش ناتوانی دولت در کنترل بازار ارز را نمایان می کند. با توقف طرح ارائه ارز دانشجویی، خانواده های دانشجویان محصل در خارج کشور به شدت نگران آینده فرزندان خود و تامین اقتصادی آنها هستند. از جمله مشکلاتی که این روزهای این خانواده ها با آن دست و پنجه نرم می کنند می توان به صعود ساعتی قیمت ارز اشاره کرد و وضعیت آشفته بازار ارز که ارسال پول به خارج را هم بیش از پیش با مشکل و هزینه روبرو کرده است. این روزها با مراجعه به صرافی ها می توان خانواده هایی را دید که ساعتها در بازار به جستجو در صرافی های برای تهیه ارز و ارسال آن به فرزندان خود می پردازند.

در کنار این مشکلات سیاستگذاری های نامناسب وزارتخانه های مسوول در زمینه آموزش عالی نیز شرایط را بیش از پیش برای تحصیل سخت کرده است. اجرای سیاستهایی همچون تفکیک جنسیتی کلاسها علی رغم امکانات و فضای محدود، محدودیت انتخاب رشته برای دختران، ستاره دار و محروم کردن بسیاری از متقاضیان از تحصیل از جمله مواردیست که هم ادامه تحصیل را برای گروههای مختلف دانشجویی سخت کرده و هم از طرفی درهای خروج از کشور برای ادامه تحصیل را به دلیل بحرانهای اقتصادی برای آنان بسته است.

باید دید نهادهایی همچون مجلس که با پیش قدم شدن در توقف ارائه ارز دانشجویی ادعای کاهش فرار مغزها با این راه را بیان می کنند، تا چه میزان با این دید می توانند مشکلات واقعی در سیاستها و سیستم آموزشی را فراموش کرده و با طرح های حاشیه ای تنها برای مدتی محدود مسکنی برای مشکلات تجویز کنند. قطعا در این مورد مجلس و نهادهای اقتصادی چون بانک مرکزی که مسوول تنظیم بازار ارز هستند، باید به دانشجویان و خانواده های آنان در قبال عدم مهیا کردن شرایط مناسب تحصیل در داخل کشور پاسخگو باشند.

آقایان! وقت برای نجات کشور تنگ است مسئولیت پذیر باشید و کنار بروید



عدالت و ریشه کتی فقر و فساد ادامه یافت و تثبیت قیمت ها و سهمیه بندی بنزین و جشن های پیاپی هسته ای و سفرهای پرهزینه استانی و وام های هنگفت بانکی و حذف یارانه ها و آمارسازی های بی محابا و ... را هم پشت سر گذاشت و حالا مردم باید قضاوت کنند که به بلندی عزت و سعادت رسیده ایم یا سراسیمه دهشتناکی که صدای هشدارهای ناشنیده ی بسیاری از دلسوزان درباره آن، هنوز در گوش ماست.

در این فضا، چه راهی جز برکناری و استغای دسته جمعی همه ی مسئولان اقتصادی و مدیران ارشد تصمیم گیر در کشور می توان برای حل بحران پیشنهاد کرد؟ و غیر از اعلام عدم کفایت جملگی مسئولان کنونی نظام، آیا راه دیگری هم باقی مانده است؟

چه کسی باید مسئولیت وضعیت امروز کشور را بپذیرد؟ چه کسی کار ایران را به اینجا کشانده است؟ آیا جز این است که همه پیش بینی های دلسوزان، اعم از میرحسین و دیگران، یک به یک محقق شده؟ آیا غیر از این است که قدرت مطلقه و مدیریت فردی کشور و خودکامگی محض و بی حد و قید باعث شده که امروز نظام اقتصادی و مدیریتی به یک ویرانه بدل شده؟ وقت تعارف و مجامله نیست. کار از تجاهل و معامله هم گذشته است. مسئولان فعلی کشور باید مسئولیت عملکرد خود را بپذیرند، کنار بروند و کار را به کاردان بسپارند. استعفا و کناره گیری، اولین قدم برای اصلاح است. مدیران اصلی کشور مسئولانه برخورد کنند و مسئولیت بپذیرند و کنار بروند؟ دیگر چه اتفاقی باید بیفتد که مسئولان یک کشور بپذیرند نبودن آنها بهتر از بودن آنهاست؟

زمزمه های طرح عدم کفایت احمدی نژاد

بحث طرح عدم کفایت احمدی نژاد با سالها تاخیر، بالاخره بین نمایندگان مطرح شده است. هرچند به نظر نمی رسد ترس های نمایندگان جناح حاکم و حمایت بی حد و حصر رهبری، اجازه چنین تصمیمی را به مجلس بدهد؛ اما نفس طرح چنین موضوعی نشان می دهد که مدعیان اصولگرایی هم در نهایت و البته با تاخیر، به سوء مدیریت و نقص در کفایت دولت فعلی و رئیس آن معترف شده اند.

اما طبعاً تا یافتن توجیهات کافی برای حمایتهای فراقانونی خود در این سالها از احمدی نژاد و به خصوص تعاریف و تمجیدهای عجیب رهبری از این دولت که با نتیجه ی عملکرد آن یکسره مغایر است، مطرح شدن بی کفایتی رئیس دولت و احتمالاً برکناری او امکان بیان ندارد. خبر این طرح را خبرگزاری مهر پس از مخابره حذف کرد که در آن به نقل از نادر قاضی پور درخصوص تلاش جمعی از نمایندگان برای ارائه طرح دو فوریتی ممنوعیت فروش ارز در بازار آزاد اظهارداشت: ما با این طرح می خواهیم عدم کفایت اقتصادی رئیس جمهور را مطرح و تاکید کنیم او نمی تواند بازار را مدیریت کند و این آشفته گی را سامان دهد. همزمان دبیر کل جامعه اصناف و بازار از "بی کفایتی" مجریان سخن گفته است.

زندانی سیاسی

* فیض الله عرب سرخی زندانی سیاسی با انتقال به بیمارستان اعصاب غذای خود را شکست.

* مهدی هاشمی پس از بازداشت در بند ۲۴۱ اوین، متعلق به وزارت اطاعت نگهداری می شود.

کارد از پوست و گوشت عبور کرده و به استخوان رسیده؛ درد تا مغز استخوان هم نفوذ کرده. قصه دیگر قصه مدیریت جهانی و کاغذ پاره های تحریم نیست؛ صحبت از ایران ۱۴۰۴ و چشم انداز بیست ساله و قدرت اول منطقه و قله های جهانی و تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی هم به یک شوخی تکراری می ماند؛ دروغ هایی برگرفته از کاریکاتور آرزوهای یک حاکمیت کودتایی، که کسی حتی با آنها خنده اش هم نمی گیرد.

اینها گوشه ای از آخرین خبرهای ناگفته اخبار روزهای اخیر است: برخی کسبه بازار سنتی تهران، دیروز و امروز از بعدازظهر به بعد کار را تعطیل کردند. کاسبی با این حجم از بی ثباتی؟! ممکن نیست. همه همین نگرانی ها را دارند. با ریال باید بفروشند و با دلار جنس بخرند. قیمت جنس، امروز چه باشد؟ قیمت دلار فردا چقدر است؟

اینها ذره ای از حجم وحشتناک واقعیت است، واقعیتی که حتی نای انکارش را هم ندارند. کار از فاجعه و بحران گذشته است. خیلی وقت است که از آغاز خیابان جمهوری اسلامی حرکت کرده ایم، وقت تعلل و سرخوشی نداریم، اینجا نقطه پایان جمهوری اسلامی است؟ ظاهر نه! اما معلوم هم نیست از اینجا به بعد کسی به این مسیر ادامه دهد و به سمت میدان استقلال برود.

به نظر می رسد که تا اطلاع ثانوی وضعیت همین است. نه چاره ای هست و نه مجال چرایی، نه توقف و تغییر مسیری و نه غایت و چشم اندازی. هیچ کس از فردا خبر ندارد؛ هیچ کس! حتی رهبری که کشور را در وضعیت بدر و خیر می بینند. این ثمره حاکمیت یک دستی است با وعده ژاپن اسلامی شروع شد و وعید دولت

نگرانی از انزوا و تشدید فشار علیه ایران در بیت رهبری

در پی عدم موفقیت نمایندگان کشور در پیشبرد مذاکرات هسته ای، سه هفته پیش جلسه ای در بیت رهبری و با حضور سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی و رئیس گروه مذاکره کننده ایران با اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ برگزار و نسبت به مدیریت پرونده هسته ای، انتقادات شدیدی به جلیلی شد.

در این جلسه طولانی که صالحی وزیر امور خارجه گزارش ارایه کرده گفته بسیاری از کشورهای اروپا و آمریکای شمالی حتی در سطح مدیرکل وزارت خارجه شان هم پاسخ گوی تماس و درخواستهای می نیستند و ارتباط با مقامات بالاتر و وزرا نیز مطلقاً امکان پذیر نیست.

در این جلسه درباره انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا گفت و گو و جمع بندی اینگونه بوده که با توجه به محوریت مشکلات سیاست خارجی در بحث هسته ای و نقش اصلی آمریکا در تشدید، تداوم یا حل این مساله و با توجه آرایش سیاسی قدرت در آمریکا و مواضع تندتر جمهوری خواهان و نامزد این حزب یعنی میت رامنی علیه ایران، ترجیح ایران در انتخابات آمریکا، پیروزی اوباما است و مجموعه مواضع نظام باید در جهت تقویت نامزد دموکراتها بوده و یا حداقل از سوی ایران رفتاری که موجب تضعیف موقعیت اوباما در این انتخابات شود، صورت نگیرد.

زندانی سیاسی

* حسن معادیخواه جهت اجرای حکم حبس از بند ۳۵۰ به بند ۲۴۱ زندان اوین منتقل شده است.

* خانواده مصطفی تاجزاده در نامه به فرمانده سپاه نسبت به سلامت جان این زندانی هشدار دادند.